

نقد و بررسی معاهده منشور انرژی

_____ علی صرافی _____

کارشناس ارشد حقوق بین الملل

معاهده منشور انرژی، یک معاهده چند جانبه بین المللی در بخش انرژی است که با ابتکار کشورهای اروپایی پایه گذاری شده و با حمایت بسیاری از کشورهای دیگر، توسعه یافته است. هدف اصلی این معاهده، همکاری های اقتصادی و ایجاد تسهیلات در کشورهای تولیدکننده انرژی برای سرمایه گذاری و فعالیت های اقتصادی در اکتشاف، استخراج، تولید، انتقال و تجارت از طریق ساز و کارهای حقوقی قوی بین المللی است.

در کارگاه آموزشی آتکار که در پانزدهم و شانزدهم ژانویه ۲۰۰۱ به منظور آشنایی با اصول کلی منشور، با همکاری اگو و دبیرخانه کنفرانس منشور تشکیل شد. معاهده منشور انرژی به طور کلی مورد بحث قرار گرفت و در آن اطلاعات جامعی ارائه گردید که مقدمه ای جهت همکاری های بیشتر برای بحث پیرامون مسائلی که زمینه ساز تصمیم گیری برای الحاق کشورهای دیگر از جمله ایران به معاهده یا شرکت آن ها در کنفرانس منشور به عنوان عضو ناظر خواهد بود، فراهم می شود.

در اینجا، تصویر کلی معاهده منشور انرژی (که اختصاراً منشور نامیده خواهد شد) به طور بسیار مختصر ارائه می شود و ضمن آن مهمترین بخش های مربوط، به خصوص از نظر حقوقی به اجمال بیان خواهد گردید، تا زمینه لازم برای تحقیقات بیشتر در بعد حقوقی و نیز اقتصادی فراهم شود و برابندی شفاف در جهت تصمیم گیری در الحاق به آن حاصل گردد.

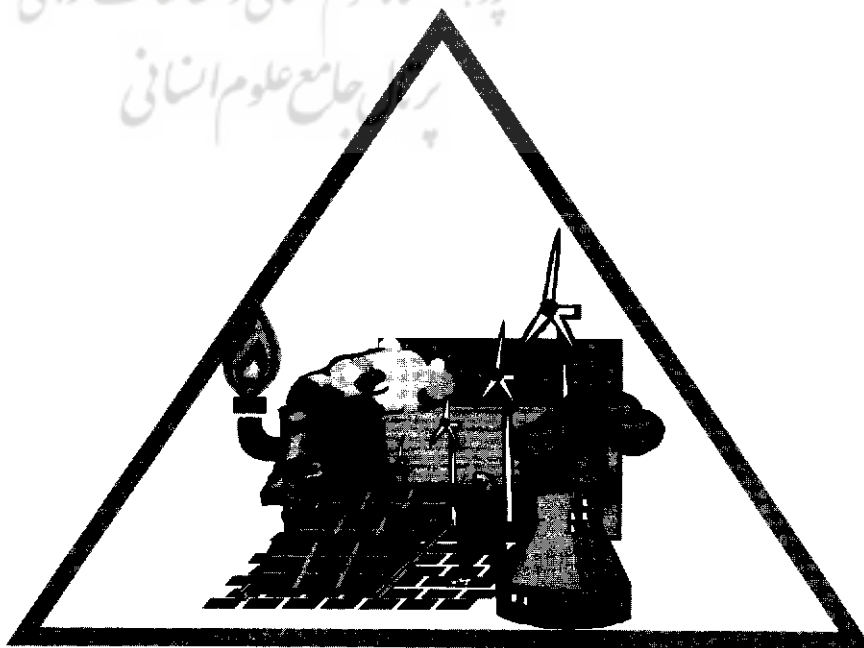
در اواخر دهه ۸۰ میلادی که اوضاع سیاسی شوروی سابق دچار بحران و دگرگونی شده بود، کشورهای اروپایی که منافع خود را در ثبات سیاسی و اقتصادی منطقه می دانستند، همکاری های خود را ضروری دانسته و اقداماتی را آغاز نمودند. پیدایش جمهوری های آسیای مرکزی و بروز مشکلات اقتصادی آنها، از یک سو، و ضرورت انتقال انرژی موجود در ذخایر سرشار نفت و گاز در آنها به بازار جهانی از طریق کشورهای بسته ای که تعداد آنها به دلیل گفته شده افزایش یافته بود، از سوی دیگر، و نیز لزوم سرمایه گذاری های بین المللی، عواملی بود که روند شکل گیری منشور را سرعت می بخشید. در نتیجه، در سال ۱۹۹۱ یک کنفرانس بین المللی مرکب از کشورهای اروپایی شرقی و غربی و جمهوری های آسیای مرکزی و اعضای غیر اروپایی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، از جمله آمریکا، کانادا، استرالیا و ژاپن تشکیل شد و طی آن، یک بیانیه سیاسی به شکل منشور به نام «منشور اروپایی انرژی» به امضای ۵۱ کشور شرکت کننده در کنفرانس رسید. اما، این منشور بعدها نشان داد که صرفاً جنبه سیاسی داشته و مقررات تدوین شده آن، ساز و کار اجرایی لازم را ندارد و برای اهداف بلند شرکت کنندگان کافی به نظر نمی رسد.

بنابراین در سال ۱۹۹۴، کنفرانسی در لیسبون برگزار شد و در آن یک موافقت نامه بین المللی به نام «معاهده منشور انرژی» به امضای ۴۹ کشور و جامعه اروپا (به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل) رسید. اما آمریکا و کانادا در این کنفرانس از امضای معاهده خودداری نمودند. معاهده منشور انرژی تا زمان معینی برای تصویب (Ratification) کشورهای امضاکننده مفتوح گردید و در سال ۱۹۹۸ به اجرا درآمد. تاکنون ۴۴ کشور و نیز جامعه اروپا آن را به تصویب نهاد قانونگذاری خود رسانده اند. اما برای کشورهای دیگری که ممکن است تمایل به عضویت در این معاهده را داشته باشند، شرایطی برای الحاق آنها وضع گردیده است.

اهداف اصلی منشور

اهداف اصلی منشور عبارتند از:

- ۱- حمایت از سرمایه گذاری و توسعه آن براساس اصل عدم تبعیض میان اتباع داخلی و خارجی و با توجه به اصل برخورداری از بالاترین حقوق و مزایای اعطایی به اتباع خارجی دیگر و به سایر کشورها که



اصطلاحاً (N/MFN)^(۱) نامیده می‌شود.
۲- تجارت آزاد مبتنی بر مقررات سازمان تجارت جهانی (WTO).
۳- ترانزیت آزاد با ضمانت‌های اجرایی حقوقی برای تداوم جریان بدون وقفه انرژی.
۴- داوری بین‌المللی الزامی.
۵- توسعه قوانین کشورهای عضو در بخش انرژی، در جهت هماهنگی و انطباق با اصول حقوق بین‌الملل.

هدف‌های جنبی منشور

هدف‌های جنبی منشور، شامل انتقال تکنولوژی، دایر نمودن بازارهای مالی و اعتباری، توسعه شرایط رقابت و سیاست‌گذاری و نیز بهینه‌سازی در بخش انرژی و حفظ محیط زیست می‌باشد، که مورد اخیر یعنی حفظ محیط زیست به دلیل اهمیت آن، خود موضوع پروتکلی را تشکیل داده که جزو ضوابط معاهده قرار گرفته است.

ویژگی‌های منشور

معاهده منشور انرژی، اولین موافقت‌نامه چند جانبه بین‌المللی در حمایت و توسعه سرمایه‌گذاری است که شامل ویژگی‌های زیر می‌باشد:

- ۱- جنبه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری را در خود گنجانده است.
 - ۲- مقررات ترانزیت را در شبکه انرژی توسعه داده و به اجرا درآورده است.
 - ۳- داوری الزامی بین‌المللی را به عنوان یک اصل کلی مطرح کرده است.
 - ۴- یک بازار آزاد میان اعضا به وجود آورده است.
 - ۵- ضمن شناخت حاکمیت کشورهای عضو، حقوق حاکمیت آن‌ها را براساس قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل با توجه به حقوق و منافع مشروع سایر اعضا در همکاری‌های اقتصاد جهانی قابل اجرا دانسته است.
 - ۶- در تعریف کنوانسیون وین، به عنوان یک معاهده (ترتیبی) کامل شناخته شده است.
- دیرخانه کنفرانس منشور انرژی در بروکسل قرار دارد و کنفرانس که مرکب از اعضای منشور می‌باشد، دارای اختیاراتی برای اتخاذ تصمیمات لازم در حدودی که تعیین شده است، می‌باشد.
- معاهده منشور انرژی دارای یک مقدمه و هشت فصل شامل پنجاه ماده می‌باشد و حاوی

در این نوشتار به توضیح ۳ مورد اول و مورد ششم پرداخته می‌شود و فعلاً از دو موضوع دیگر که چندان به بحث حقوقی ارتباط ندارد، صرف‌نظر می‌شود.

الف - رژیم سرمایه‌گذاری

در رژیم سرمایه‌گذاری، اصول معاهده منشور انرژی برای حمایت از سرمایه‌های خارجی عبارتند از:

- ۱- برخورداری سرمایه‌گذاری از بالاترین حقوق و امتیازات اعطایی به اتباع داخلی و خارجی دیگر، اعم از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در کشور میزبان قبل از عضویت آن در منشور یا بعد از آن.
- ۲- آزادی سرمایه‌گذار در انتخاب کارکنان کلیدی از هر ملیت.
- ۳- پرداخت خسارت در صورت بروز حوادثی چون جنگ و شورش‌های داخلی.
- ۴- ممنوعیت مصادره و ملی کردن اموال و سرمایه‌های خارجی جز برای مصالح ملی و به موجب قانون با پرداخت غرامت کافی و فوری و مؤثر براساس اصل عدم تبعیض و بر مبنای قیمت منصفانه بازار.
- ۵- آزادی انتقال ارز حاصل از سرمایه‌گذاری بدون هرگونه تأخیر و آزادی انتقال آن به ارز مورد درخواست سرمایه‌گذار، که البته حقوق طلبکار از سرمایه‌گذار و نیز محدودیت انتقال پرداخت‌های جنسی در نظر گرفته می‌شود.
- ۶- شناخت و تأیید حقوق انتقالی در موارد ضمانت‌های مالی توسط اشخاص ثالثی چون بیمه‌گر، بانک و غیره که خسارات مربوط را به سرمایه‌گذار پرداخته و دارای چنین حقوقی شده‌اند.

ب - رژیم تجاری

مقررات تجاری منشور قبلاً فقط به مسائل انرژی و فرآورده‌های آن منحصر بوده است، ولی اخیراً در اصلاحیه‌ای که به تصویب کنفرانس رسید، ماشین‌آلات مربوط به انرژی را نیز شامل شده است. در حال حاضر، رژیم حقوق تجارت منشور مبتنی بر مقررات سازمان تجارت جهانی است و این در حالی است که تعدادی از اعضای منشور هنوز عضو سازمان مزبور نیستند. بنابراین، آن تعداد از اعضای منشور که عضو سازمان تجارت جهانی نیز هستند، مستقیماً مشمول مقررات آن سازمان می‌باشند و آن‌ها که

هدف اصلی منشور انرژی،

ایجاد تسهیلات لازم

در کشورهای تولیدکننده انرژی

برای سرمایه‌گذاری

از طریق

سازوکارهای بین‌المللی است

چهارده ضمیمه است که همه جزو معاهده محسوب می‌شود.

با وجود دقت‌های بسیاری که در تهیه و تنظیم این معاهده شده است، با این حال تحقیقات و تجربیات نشان داد که هنوز به توسعه نیاز دارد. به همین علت کنفرانس با اختیاراتی که داشت، اصلاحیه‌ای را درباره رژیم تجاری معاهده به تصویب رساند. این اصلاحیه در حال حاضر در جریان بعضی مسائل سیاسی قرار گرفته، ولی به طور موقت توسط کشورهای عضو اجرا می‌شود. هم‌چنین، کنفرانس مقررات مربوط به ترانزیت انرژی را در قالب یک پروتکل در جریان مذاکره قرار داده است که ۵۱ کشور در آن شرکت دارند. این پروتکل، ضمانت اجرای تعهدات دول عضو را برای تداوم جریان بدون وقفه انرژی، هماهنگی در ضوابط تعرفه‌ها و دسترسی به امکانات موجود ترانزیت براساس اصل عدم تبعیض تقویت نموده و به آن‌ها شکل قانونی داده است. هم‌چنین کنفرانس سعی می‌کند تا منشور را به مناطق مهمی که نقش اساسی در بازار جهانی انرژی دارند، در آسیا و مناطق مدیترانه گسترش دهد و تلاش می‌کند تا اعضای مهمی چون روسیه، ژاپن و استرالیا، معاهده را به تصویب مجالس قانونگذاری خود برسانند.

موضوعات اصلی منشور

موضوعات اصلی معاهده منشور انرژی عبارتند از:

- ۱- رژیم سرمایه‌گذاری
- ۲- رژیم تجاری
- ۳- رژیم ترانزیت
- ۴- بهینه‌سازی بخش انرژی
- ۵- حفظ محیط زیست
- ۶- سازوکار اجرا (حل و فصل دعوی)

هنوز عضو سازمان نیستند با رعایت مقررات معاهده منشور انرژی، که از جمله به حاکمیت مقررات سازمان تجارت جهانی اشاره دارد، به طور غیرمستقیم تحت حاکمیت آن قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که ساختار حقوقی تجارت منشور قبلاً بر موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، ۱۹۴۷ و ۱۹۹۴ مبتنی بود، ولی اصلاحیه تجاری مذکور (همان گونه که اشاره شد) مقررات تجاری منشور را با مقررات سازمان تجارت جهانی انطباق داده و به آن صورت قابل اجرا نموده است.

پ- رژیم ترانزیت

ترانزیت، مهمترین بخش منشور محسوب می‌شود که مقررات آن در ماده ۱۷ منشور گنجانده شده است. ترانزیت که یک عمل تجاری است، در گذشته با موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا براساس مقررات حقوق بین‌الملل اجرا می‌شد. تا قبل از معاهده منشور انرژی، تنها مقررات موجود در حقوق بین‌الملل، ماده پنج گات بود که نمی‌توانست پاسخگوی مسائل موجود ترانزیت و توسعه آن باشد. بنابراین، وضع ضوابط و مقررات کامل ترانزیت که بتواند مورد قبول جامعه بین‌الملل باشد، ضروری به نظر می‌رسید. رژیم ترانزیت منشور، تعهداتی برای کشورهای عضو به وجود آورد که اهم آن‌ها به قرار زیر است:

- ۱- اصل عدم تبعیض در ماده پنج گات توسعه یافت و بین منافع کشورهای تولیدکننده، واردکننده و کشورهای ترانزیت و به طور کلی نیازهای تجارت بین‌الملل توازن برقرار گردید.
 - ۲- براساس اصل مزبور، زمینه دستیابی به منابع بازار بدون توجه به مبدأ، مقصد و یا مالکیت انرژی فراهم شد.
 - ۳- کشورهای عضو موظف شدند تا تسهیلات لازم ترانزیت را فراهم نموده و نسبت به مدرنیزه کردن و توسعه تجهیزات اقدام نمایند، و در صورت هرگونه وقفه احتمالی در جریان انرژی، اقدام فوری برای رفع آن به عمل آورند و هرگونه موانع توسعه ظرفیت برای رسیدن به شرایط تجاری را برطرف کنند.
- با وجود تعهدات مذکور برای کشورهای عضو، منشور شرایط و مقررات ناشی از حق حاکمیت دولت را که ممکن است در قوانینی چون قوانین مربوط به محیط زیست، استفاده از

زمین و نظیر آن تجلی نماید، پذیرفته و آن را حاکم بر مقررات منشور دانسته است. همان‌گونه که اشاره شد، پروتکل ترانزیت در جریان مذاکره است و گفته می‌شود که این پروتکل صرفاً در جهت توسعه معاهده تنظیم گردیده و مغایرتی با مفاد معاهده ندارد.

ت- سازوکار حل و فصل دعاوی

سازوکارهای حل و فصل دعاوی منشور بسیار مفصل و دقیق بوده و بخش عمده‌ای از مقررات منشور را به خود اختصاص داده است. برای دعاوی و اختلافات با توجه به ماهیت آن‌ها و موضوعات گوناگونی چون تجارت، سرمایه‌گذاری، ترانزیت و محیط زیست و نیز موقعیت حقوقی هر یک از طرفین دعوی، سازوکارهای مختلفی برای حل و فصل دعاوی پیش‌بینی شده است. این ترتیب اگرچه نقش ارزنده‌ای در حقوق معاهدات بین‌المللی ایفا نموده، ولی دارای پیچیدگی‌هایی است که میزان مطلوبیت آن در گذشت زمان مشخص خواهد شد. باید توجه داشت که اختلافات و دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری مورد توجه خاص منشور بوده و به همین علت سازوکار حل و فصل آن با دقت کامل تنظیم گردیده است. بنابراین در این نوشتار نیز، به دلیل اهمیت این سازوکار و ویژگی‌های آن مورد بحث قرار می‌گیرد و آنگاه اشاره کوتاهی به سازوکارهای دیگر خواهد شد.

ویژگی‌های سازوکار حل و فصل دعاوی میان سرمایه‌گذاران خارجی و کشور میزبان

- ۱- کشورهای عضو با امضای معاهده منشور انرژی، بدون هیچ قید و شرطی داوری بین‌المللی را قبول نموده و تسلیم آن می‌شوند، در حالی که طرف خصوصی آن‌ها، یعنی سرمایه‌گذار چنین الزامی ندارد و در هر مورد موافقت او برای ارجاع به داوری ضروری است.
- ۲- براساس اصل تساوی (میان اتباع کشور میزبان و سرمایه‌گذار خارجی) و اصل برخورداری سرمایه‌گذاران خارجی از بالاترین حقوق و امتیازات اعطایی به اتباع داخلی و اتباع کشورهای دیگر سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند به انتخاب خود و با در نظر گرفتن منافع خود به محاکم کشور میزبان مراجعه کند، یا مرجع مورد توافق در قرارداد دوجانبه را برگزیند و یا از سازوکارهای حل و فصل دعاوی که در سایر قراردادهای دوجانبه یا چندجانبه کشور میزبان یا سایر اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است،

استفاده کند.

۳- سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند در هر صورت حتی اگر قبلاً از هر نوع سازوکاری، از جمله دادرسی قضایی کشور میزبان و نظیر آن استفاده کرده باشد، مجدداً دعوی خود را به مراجع داوری بین‌المللی پیش‌بینی شده در منشور ارجاع نماید.

مراجع داوری پیش‌بینی شده در منشور عبارتند از:

1- ICSID (International Center for the Settlement of Investment Disputes)

در مواردی که کشور میزبان و کشور متبوع سرمایه‌گذار اعضای کنوانسیون ICSID باشند:

2- ICSID Additional Facility Rules for Administration of Proceeding by the Centre

در مواردی که یکی از دو کشور عضو کنوانسیون مزبور باشد

3- The Sole Arbitrator or ad hoc Arbitration Tribunal established under Uncitral Arbitration Rules.

4- The Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of commerce.

در داوری بین‌المللی، تصمیم داوری براساس مقررات معاهده منشور و اصول حقوق بین‌الملل اتخاذ می‌شود و تصمیم متخذ قطعی و لازم‌الاجراست. محل داوری به تقاضای هر یک از طرفین، کشوری خواهد بود که عضو کنوانسیون نیویورک باشد. به موجب این کنوانسیون، کشورهای عضو، آرای داوری را که در کشور دیگری صادر شده است به رسمیت شناخته و ملزم به اجرای آن در دادگاه‌های خود هستند.

دعاوی تجاری مربوط به انرژی (همان‌گونه که اشاره شد) تابع مقررات گات بوده که با اصلاحیه مصوب کنفرانس، منشور تحت حاکمیت مقررات سازمان تجارت جهانی قرار گرفته است که سیستم پل را اعمال می‌نماید. این سازوکار در واقع جنبه دیپلماسی و سیاسی داشته و هدف آن اصلاح است نه مجازات.

دعاوی ترانزیت می‌تواند با هر یک از روش‌های حل و فصل دعاوی رسیدگی شود، ولی نه به اختیار یکی از طرفین دعوی، بلکه با توافق آن‌ها یا با تصمیم مقام سازش دهنده یا واسط.

مسئله مهم در دعاوی مربوط به ترانزیت این است که کشور ترانزیتی حق ندارد تا پایان رفع

اختلاف وقفه‌ای در جریان انرژی به وجود آورد. هم‌چنین در این گونه دعاوی، واسطه می‌تواند تا پایان رفع اختلاف یا تا یک سال (هر کدام بیشتر باشد)، تعرفه‌ها و سایر شرایط و مقررات موقت را برای اجرای قرارداد ترانزیت وضع نماید.

در سیستم سازش در دعاوی ترانزیت، روند رسیدگی به دعوی به سرعت انجام می‌شود، و چارچوب معینی برای نحوه رسیدگی به دعوی در نظر گرفته نشده و طرفین در انتخاب روش حل اختلاف خود آزادند. به این ترتیب به طرفین فرصت داده می‌شود تا مناسب‌ترین روش را خود انتخاب کنند. همچنین به آن‌ها فرصت داده می‌شود تا همه راه حل‌های ممکن را طی کنند و در صورت عدم موفقیت در رفع اختلاف از سیستم سازش استفاده نمایند. سازش الزامی منحصر به منشور است و نباید نوعی داوری یا پژوهش خواهی تلقی شود.

خلاصه و نتیجه

آنچه مسلم است، کشورهای در حال توسعه اعم از تولیدکننده انرژی و کشورهای که انرژی از قلمرو آن‌ها می‌گذرد (کشورهای ترانزیتی)، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ خارجی دارند و در عین حال توجه دارند که سرمایه‌گذاری خارجی تا آنجا مهم است که حاکمیت آن‌ها را به مخاطره نیندازد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در بخش انرژی، فقط در صورت اطمینان از سیستم حقوقی و اقتصادی پیشرفته کشور میزبان در حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، یا براساس تعهدات بین‌المللی آن‌ها در معاهدات چندجانبه و سازوکارهای قوی برای اجرای تعهداتشان امکان‌پذیر می‌باشد.

معاهده منشور انرژی که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد، از پیشرفته‌ترین نوع معاهدات است که دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

- ۱- سرمایه‌گذاری مطمئن را تشویق می‌نماید.
- ۲- دستیابی به منابع و ذخایر مالی را برای کشورهای عضو میسر می‌سازد.
- ۳- امکان توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را از طریق دستیابی به مهارت‌ها و تخصص‌ها در انتقال تکنولوژی فراهم می‌نماید.
- ۴- موجبات توسعه سیستم حقوقی کشورها را فراهم می‌کند.
- ۵- برای کشورهای عضو، بازار مطمئنی به وجود می‌آورد.
- ۶- نیاز جهان به انرژی لازم و مطمئن را با

کشور عضو با امضای معاهده،

داوری‌های بین‌المللی مقرر را

پذیرفته و تسلیم آن می‌شود،

در حالی که سرمایه‌گذار

خارجی طرف دعوی

الزامی برای پذیرش

این داور ندارد

همکاری کشورهای عضو برطرف می‌سازد. در مورد حاکمیت دول عضو اگرچه منشور بر این اصل حقوق بین‌الملل، یعنی شناخت حق حاکمیت تأکید دارد و آن را براساس اصول و قوانین حقوق بین‌الملل به رسمیت می‌شناسد، ولی باید به این نکته توجه داشت که بعضی از شرایط و مقررات منشور تعهداتی برای اعضا به وجود می‌آورد که قبول و اجرای آن‌ها ممکن است نوعی محدودیت در اعمال حاکمیت تلقی شود.

بند ۱ ماده ۱۸ منشور، حق حاکمیت بر منابع انرژی را صریحاً مورد تأکید قرار داده و بند ۲ آن ضمن تصریح به این که منشور خدشه‌ای بر قوانین و مقررات سیستم مالکیت کشورهای عضو بر منابع انرژی آن‌ها وارد نخواهد ساخت، حقوق ناشی از منشور را نیز مورد تأکید قرار داده و متقابلاً بر عدم تأثیر قوانین و سیستم مالکیت کشورهای عضو بر اهداف منشور در توسعه دستیابی به منابع انرژی و اکتشاف و توسعه آن در حد تجاری تأکید می‌نماید. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که این ماده ممکن است که نیاز به تفسیر داشته باشد. در این مورد، کنفرانس در یکی از تصمیمات خود تصریح کرده است که ماده (۲) ۱۸ نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مانع از اجرای سایر مقررات معاهده شود.

درباره سازوکار حل و فصل دعاوی، نکته شایان ذکر این است که با امضای معاهده، کشور عضو داوری‌های بین‌المللی مقرر را پذیرفته و قبلاً تسلیم آن شده است، در حالی که سرمایه‌گذار خارجی طرف دعوی الزامی برای تسلیم به داوری ندارد و در هر مورد موافقت و قبول او برای ارجاع دعوی از جانب کشور میزبان، مرجعی را برای رسیدگی تعیین نکرده و کشور میزبان در طرح ادعای خود محدود به قرارداد فی‌مابین می‌باشد. شاید به همین دلیل

بعضی از کشورهایی که در منشور اروپایی انرژی شرکت داشته و آن را امضا کرده بودند و می‌توانستند عضویت خود را در معاهده منشور انرژی مقید و مشروط نمایند، ماده ۲۶ معاهده را که به این موضوع مربوط است نپذیرفته و معاهده را به صورت مشروط پذیرفته‌اند.

مسئله دیگر مربوط به خسارات ناشی از جنگ و شورش‌های داخلی و نظیر آن است که در هر حال حتی با توجه به اینکه ممکن است موضوع ضرب‌الاجل تلقی شود، در جهت حمایت و جلب سرمایه‌گذاری باید پرداخت شود.

به هر حال، هدف منشور از چنین سازوکارهای اجرایی قوی در حمایت و جلب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، نیاز جهانی به انرژی کسافی و لازم بوده که جز با سرمایه‌گذاری‌های بزرگ بین‌المللی ممکن نیست. در عین حال، توسعه اقتصادی کشورهای تولیدکننده انرژی و کشورهایی که در مسیر انتقال انرژی قرار دارند، کسب منافع و درآمدهای سرشار آن‌ها از انرژی و انتقال آن، بدون چنین سرمایه‌گذاری‌های بزرگ امکان‌پذیر نخواهد بود. حال، با نگرش به این حقیقت که سرمایه‌گذاری خصوصی ممکن است در هر زمان با اعمال حاکمیت دولت‌های ذی‌نفع در مخاطره قرار گیرد، حقوق بین‌الملل چنین حمایت‌های قانونی را ضروری دانسته است. بنابراین، و نیز با توجه به اینکه حاکمیت کشورها مهمترین اصل در حقوق بین‌الملل بوده و در هر صورت باید محترم شمرده شود، کشورهای عضو منشور با هر معاهده بین‌المللی دیگر می‌توانند:

اولاً، در توسعه و اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری و سایر قوانین و مقررات مربوط، جهت هماهنگی با معاهدات و سایر مقررات حقوق بین‌الملل، حاکمیت خود را ملحوظ داشته و با پیش‌بینی دقیق و ظرایف حقوقی به تدوین آن مبادرت نمایند و ثانیاً، در قراردادهای دوجانبه با سرمایه‌گذاران شرایط و مقررات را طوری تنظیم کنند که حتی‌الامکان مصالح کلی و حداکثر منافع ملی تأمین و از هرگونه خدشه به حاکمیت آن‌ها جلوگیری شود.

پانویس:

1. National Treatment یا Most Favoured National Treatment